

شرکت‌های کاغذی و راهکارهای مقابله با آن‌ها در پرتو آسیب‌شناسی نظام ثبت شرکت‌ها

نسرین طباطبائی حصارى*، سروش صفی‌زاده**

چکیده

شرکت‌های کاغذی به‌عنوان ابزاری برای ارتکاب جرایم اقتصادی همچون جعل، کلاهبرداری، فرار مالیاتی، پولشویی، تأمین مالی تروریسم و... در سال‌های اخیر در کشور ایران به‌طور گسترده‌ای رواج یافته است و این امر نه تنها نظام قضایی کشور را درگیر خود ساخته است؛ بلکه به اختلال در نظام مالیاتی، نظام بانکی و نظام گمرکی کشور منجر شده و کاهش اعتماد عمومی به حاکمیت را در پی داشته است. بی‌تردید این مسئله مرهون ضعف نظام رصد، شناسایی و نظارت بر انواع شرکت‌های تجاری است و ثبت شرکت‌ها به‌عنوان تنها سازمانی که به‌طور تخصصی مرتبط با اطلاعات شرکت‌های تجاری است می‌تواند نقش عمده‌ای در مقابله با بروز و ظهور این شرکت‌ها ایفا کند. لذا این پرسش قابل طرح است که توسعه شرکت‌های کاغذی از دریچه نظام ثبت شرکت‌ها معلول چه اشکالاتی در این نظام ثبتی است و چه راهکارهایی برای رفع این نقاط ضعف وجود دارد. این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی، متکی بر مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی، در وهله اول به شناسایی مفهوم و ساختار شرکت‌های کاغذی می‌پردازد. سپس علل ایجاد و توسعه شرکت‌های کاغذی از منظر نظام ثبت شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داده و پس از شناسایی موارد خلأ نظام ثبتی در مقابله با شرکت‌های کاغذی، راهکارهایی جهت رفع اشکالات موجود ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: شرکت کاغذی، ثبت شرکت‌ها، مدیر قانونی، مدیر در سایه، جمع‌آوری اطلاعات، صحت‌سنجی اطلاعات

* دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
nasrintaba@ut.ac.ir

** دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران
safizade.soroush@ut.ac.ir

مقدمه

به زعم صاحب نظران، سازماندهی فعالیت اقتصادی در قالب نهادی همچون شرکت‌های تجاری و انجام دادوستد با این اشخاص فرضی و اعتباری به جای اشخاص حقیقی، از جلوه‌های اصلی اقتصاد و تجارت مدرن است (طوسی، ۱۳۹۳: ۱۹؛ بهمنی و نریمانی زمان‌آبادی، ۱۴۰۱: ۷۲). اساساً از نظر حقوقی تمامی شرکت‌های تجاری دارای یک شخص حقوقی هستند که همانند اشخاص حقیقی می‌توانند دارای حق و تکلیف از جمله حق دادخواهی، حق داشتن حساب بانکی، حق انجام معامله نسبت به اموال و سایر دارایی‌ها باشند (Findley, etal, 2012: 7). بنابراین تأسیس شرکت تجاری، عنوانی اعتمادساز است که با ایجاد شخصیت حقوقی نوعی اعتبار و حیثیت تجاری به وجود می‌آورد که به آسانی می‌تواند سبب جلب اطمینان اشخاص گردد.

با وجود این، اقتصاد امروز دنیا، شاهد تولد دسته‌ای از شرکت‌هاست که برخلاف غالب شرکت‌های تجاری که کارمندانی دارند، کالا یا خدماتی ارائه می‌دهند، بیش از آن شخصیت حقوقی نیستند و به همین دلیل که صرفاً از صورت و حجاب شخصیت حقوقی برای پیشبرد اهداف و انگیزه‌های مالی یا غیرمالی استفاده می‌کنند. این شرکت‌ها در نظر صاحب نظران با عنوان «شرکت‌های صوری^۱» شناخته شده‌اند (Findley, etal, 2012: 7).

اصولاً تأسیس شرکت‌های صوری در کشورهای مختلف به دلیل آنکه عموماً انگیزه‌های قانونی و مشروع در پشت تأسیس آن‌ها وجود دارد مجاز است؛ برای مثال در حقوق خارج ممکن است شرکتی صوری با انگیزه مدیریت دارایی‌های شخصی یا خانوادگی در قالب تراست ایجاد شود (سلیمانی، ۱۴۰۰: ۳۶). همچنین برندهای معروف هنگام خرید املاک، برای جلوگیری از افزایش قیمت، معمولاً در قالب تأسیس شرکتی صوری اقدام به انعقاد معامله می‌کنند که امری قانونی است. (Krišto & Thirion, 2018: 27) با این حال اقلیتی از این شرکت‌ها که با عنوان شرکت‌های کاغذی یا بی‌نام و نشان شناخته می‌شوند، به عنوان ابزاری برای ارتکاب جرایم اقتصادی همچون جعل، کلاهبرداری، فرار مالیاتی، پولشویی، تأمین مالی تروریسم و... قرار دارند. (Krišto & Thirion, 2018: 11-12, 27) استفاده از این دسته از شرکت‌ها در سال‌های اخیر در کشور ایران به طور گسترده‌ای میان فعالان اقتصادی رواج یافته است که این موضوع نه تنها نظام قضایی کشور را درگیر خود ساخته است؛ بلکه به اخلال در نظام مالیاتی، نظام بانکی و نظام گمرکی کشور منجر شده و در نهایت موجب کاهش اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی گردیده است (دانش شهرکی، ۱۴۰۰: ۳۴).

در باب آسیب‌شناسی پیرامون علل تحقق و گسترش شرکت‌های کاغذی در ایران، به گفته صاحب‌نظران، بی‌تردید ضعف نظام رصد، شناسایی و نظارت بر انواع شرکت در حقوق ایران، مهم‌ترین خلأ سیستمی نظام راهبری شرکتی محسوب می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱). اگرچه گفته شده است اصلاح نظام مالیاتی در کنار تشکیل بانک اطلاعاتی جامع و فراگیر برای رصد فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها می‌تواند در مقابله با این شرکت‌ها مؤثر باشد (غلامی و باقرپور، ۱۴۰۰: ۳۰۳)، لیکن باید اذعان داشت محور اصلی نظارت معطوف به نهاد ثبت شرکت‌ها به‌عنوان تنها سازمانی است که به‌طور تخصصی مرتبط با شرکت‌های تجاری می‌باشد (پاسبان، ۱۳۸۴: ۹۰). اگرچه سازمان‌های دیگری همچون سازمان مالیاتی به اعتبار وظایف قانونی خود، بر شرکت‌های تجاری نظارت می‌کنند؛ اما چنین سازمان‌هایی به‌دلیل آنکه کارکرد اصلی‌شان مواردی همچون وصول مالیات است نمی‌توانند به‌عنوان ناظر نقش ایفا کنند (پاسبان، ۱۳۸۴: ۹۰). به همین واسطه نیز به عقیده برخی صاحب‌نظران عدم به‌روزرسانی نظام ثبت شرکت‌های تجاری و عدم تطابق با شرایط موجود، یکی از تأثیرگذارترین عوامل در رشد شرکت‌های کاغذی است (موسی‌پور لقمیجانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۶). در این راستا پرسش آن است که توسعه شرکت‌های کاغذی از دریچه نظام ثبت شرکت‌ها معلول چه اشکالاتی در این نظام ثبتی است و چه راهکارهایی برای رفع این نقاط ضعف وجود دارد.

نسبت به آسیب‌شناسی مسئله شرکت‌های کاغذی، آثار متعددی چه در داخل و چه در خارج به رشته تحریر درآمده است. با این حال در غالب این آثار مسئله مذکور و راهکارهای مقابله با آن از منظر نظام مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است و آسیب‌شناسی از نقطه نظر نظام ثبت شرکت‌ها جایگاه اندکی در این مطالعات داشته است (سلیمانی، ۱۴۰۰: ۳۵-۴۴؛ موسی‌پور لقمیجانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۰-۱۸۵؛ پورزمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۳-۱۱۷؛ توکل و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۰-۵۹؛ Krišto & Thirion, 2018: 11-41; Findley, etal, 2012: 1-29; Sharman, 2010: 127-). با این حال در معدود آثاری هم که به مسئله شرکت‌های کاغذی از دریچه ثبت شرکت‌ها اشاره شده، از نقش اطلاعات مدیران در شناسایی و مقابله با این شرکت‌ها غفلت شده است (حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱-۲۸). در حالیکه به زعم نظریه‌پردازان، شناسایی افرادی که کنترل و مدیریت شرکت‌های کاغذی را در دست دارند، تأثیر به مراتب بیشتری از رصد فعالیت‌ها و معاملات برای مقابله با شرکت‌های کاغذی دارد (Krišto & Thirion, 2018: 28).

در این راستا، این پژوهش بر مبنای روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، در وهله اول به شناسایی مفهوم شرکت کاغذی و ساختار آن می‌پردازد؛ سپس با شناسایی موارد خلأ سیستمی ثبت شرکت‌ها، علل ایجاد و توسعه شرکت‌های کاغذی را از منظر ثبت

شرکت‌ها بررسی می‌کند و در نهایت به ارائه راهکارهایی جهت مقابله با شرکت‌های کاغذی در نظام ثبت شرکت‌ها می‌پردازد.

۱. شرکت کاغذی؛ از مفهوم تا ساختار

شرکت کاغذی اصطلاحی است که در سالیان اخیر در پرونده‌های مربوط به جرایم اقتصادی بارها شنیده شده است؛ اصطلاحی که به زعم برخی صاحب‌نظران همیشه همراه با کلاهبرداری بوده و یک پایه ثابت پرونده‌های کیفری به‌شمار می‌رود (سلیمانی، ۱۴۰۰: ۳۵). با این حال از جمله انتقاداتی که همواره از سوی صاحب‌نظران به مقنن ایرانی وارد می‌شود عدم تعریف مفهوم شرکت کاغذی و شناسایی ساختار این شرکت‌هاست (موسی‌پور لقمیجانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۴). ذیلاً در دو بخش به شناسایی مفهوم شرکت کاغذی و ساختار آن پرداخته می‌شود.

۱-۱. مفهوم شناسایی شرکت کاغذی

مروری بر آثار پدید آمده در حوزه شرکت‌های کاغذی در ایران، نشان می‌دهد که صاحب‌نظران اصولاً اصطلاح شرکت کاغذی را مترادف با شرکت صوری می‌دانند و این اصطلاحات را به جای یکدیگر به کار می‌برند (پورزمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۸؛ موسی‌پور لقمیجانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۹؛ سلیمانی، ۱۴۰۰: ۴۰؛ امیدیان و ندچالی، ۱۴۰۰: ۱). با این حال مرور آثار صاحب‌نظران خارجی نشان می‌دهد که اصطلاح شرکت صوری مفهومی اعم از شرکت کاغذی دارد. در گزارشی که پارلمان اروپا با عنوان «درآمدی بر شرکت‌های صوری در اتحادیه اروپا» منتشر نمود، شرکت صوری به شرکتی تعریف گردیده است که فاقد فعالیت واقعی در کشور عضوی است که در آن جا به ثبت رسیده است (Krišto & Thirion, 2018: 11). مطابق این تعریف شرکت‌های صوری در سه دسته تقسیم می‌شوند:

- دسته اول با عنوان «شرکت‌های صوری ناشناس^۱»، شرکت‌هایی هستند که خصلت آن‌ها بی‌نام و نشان بودن آن‌هاست یعنی در عین اینکه مالک و ذی‌نفع واقعی، کنترل شرکت و منابع را در اختیار دارد، امکان شناسایی وی مقدور نمی‌باشد؛
- دسته دوم با عنوان «شرکت‌های دارای اقامتگاهی متفاوت از محل تأسیس^۲» به شرکت‌های گفته می‌شود که در یکی از کشورهای عضو اتحادیه به ثبت می‌رسند اما برای دور زدن قوانین کار و تأمین اجتماعی، فعالیت اقتصادی اصلی خود را در کشور دیگری از اعضای اتحادیه انجام می‌دهند؛

1. Anonymous shell companies
2. Letterbox companies

- در دسته سوم « شرکت‌های با کارکردهای ویژه^۱» یا SPE قرار دارد. یعنی شرکت‌هایی که فعالیت اصلی آن‌ها تأمین مالی گروه یا فعالیت در قالب شرکت هلدینگ است. این شرکت‌ها نهادهایی بدون (یا با تعداد کمی) کارمند هستند که بدون حضور در کشور میزبان در اقتصاد آن سرمایه‌گذاری می‌کنند (Krišto & Thirion, 2018: 11-12).

به نظر می‌رسد در ادبیات شرکت‌های صوری ایران، مقصود از شرکت کاغذی، شرکت‌های صوری ناشناس است. چراکه در تعریف این شرکت‌ها، گفته شده است ناشناس بودن عنصر اصلی شرکت‌های کاغذی است و این عنصر ابزاری مهم جهت فرار مالیاتی، پولشویی و ناشناس ماندن هویت افرادی است که برای اجرای فعالیت غیرقانونی خود این دسته از شرکت‌ها را راه‌اندازی می‌کنند (سلیمانی، ۱۴۰۰: ۳۵). این نوع شرکت‌ها به صورت مداوم در گزارش‌های کنسرسیوم‌های بین‌المللی به‌عنوان شرکت‌های فعال در زمینه فرار مالیاتی، فساد، پولشویی و تأمین مالی تروریسم مطرح می‌شوند (Krišto & Thirion, 2018: 11).

در گزارشی که در سال ۲۰۰۶ سازمان مقابله با جرایم مالی وزارت خزانه داری ایالات متحده پیرامون پولشویی در قالب شرکت‌های کاغذی منتشر کرد، استفاده از آن دسته از قالب‌های شرکت‌های تجاری که مسئولیت مالکان محدود به میزان آورده می‌باشد، مهم‌ترین وصف این شرکت‌ها تلقی شده است. با استفاده از این قالب‌های شرکتی، در کنار شخصیت حقوقی شرکت که به‌عنوان یک پوشش برای فعالیت‌های غیرقانونی محسوب می‌شود، اطلاعات مالکیتی مربوط به شرکت‌ها را نیز می‌توان از مقامات نظارتی پنهان کرد؛ زیرا اکثر ایالات در مرحله تأسیس یا پس از تأسیس شرکت، افشای اطلاعات مالکیتی مربوط به قالب‌های شرکت‌های تجاری که مسئولیت مالکان محدود به میزان آورده می‌باشد را ضروری نمی‌دانند (Department of the Treasury, Financial Crimes Enforcement Network, 2006: 1-2).

بنابر آنچه گفته شد شرکت کاغذی را می‌توان به نهادی در پوشش شرکت‌های تجاری که مسئولیت مالکان محدود به میزان آورده می‌باشد تعریف کرد که نه با هدف مشارکت تجاری و انجام فعالیت تجاری و اقتصادی، بلکه با انگیزه سوءاستفاده از شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود آن جهت فرار مالیاتی، پولشویی، فساد، تأمین مالی تروریسم، اخذ تسهیلات بانکی و سایر انگیزه‌های متقابلانه تأسیس می‌گردد.

۲-۱. ارکان شرکت کاغذی

شرکت‌های کاغذی معمولاً برای پنهان کردن هویت مالکان ذی‌نفع خود - یعنی شخصی که در نهایت شرکت را کنترل می‌کند و از آن سود می‌برند - مورد استفاده قرار می‌گیرند (Krišto & Thirion, 2018: 27). در این راستا افراد سودجو از طریق پرداخت مبلغی ناچیز در ازای دسترسی به اوراق هویتی افراد ناآگاه به امور حقوقی و مالی و عموماً کم‌سواد یا بیکار یا بی‌بصاعت، مبادرت به ثبت شرکت کاغذی به نام آن‌ها نموده و با اخذ وکالت بلاعزل و اختیارات گسترده‌ای که از این افراد (که دیگر صاحب کرسی مؤسسين و مدیران قانون شرکت می‌باشند) به دست آورده‌اند، پس از اخذ مجوزهای لازم برای شرکت مزبور و با ثبت اسناد معاملاتی به نام این شرکت‌ها، اقدامات غیرقانونی و مجرمانه خود را در پوشش این شرکت‌ها انجام می‌دهند (دانش شهرکی، ۱۴۰۰: ۳۸). به‌طور مثال با ثبت اسناد معاملاتی به نام شرکت کاغذی تازه تأسیس، مالیاتی که باید خود بپردازند را بر عهده شرکت قرار می‌دهند و از آنجا که این شرکت‌ها و مدیران قانونی آن سرمایه‌چندانی در دست ندارند، دارایی کافی برای پرداخت مطالبات نخواهند داشت (پورزمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۹)؛ به عبارت دیگر اشخاص حقوقی یا حقیقی که بر اساس اسناد قانونی ثبت شده نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و سایر مراجع ذی‌صلاح، مدیر قانونی شرکت بوده و مسئول تعهدات مالی مربوط به حقوق دولتی یا عمومی همانند مالیات هستند دارایی کافی جهت ایفای تعهدات قانونی را ندارند و از سوی دیگر اشخاص حقیقی یا حقوقی که مدیریت واقعی و عملی شرکت را در اختیار داشته‌اند و در واقع طرف معاملات و منتفع از عواید آن‌ها بوده‌اند به دلیل عدم تنظیم سند به نام آن‌ها از پذیرش تعهدات قانونی و پرداخت مطالبات اجتناب می‌نمایند و این‌گونه فرار مالیاتی رخ می‌دهد (دانش شهرکی، ۱۴۰۰: ۳۸). بنابراین ارکان شرکت کاغذی را باید حول مفهوم مدیریت (رسمی و قانونی، عملی و در سایه) یافت.

مدیر از جمله مفاهیمی است که در مقررات شرکت‌های تجاری ایران تعریف نشده است. با این حال از قرآن موجود در لایحه اصلاحی شرکت‌های سهامی سال ۱۳۴۷ می‌توان استنباط کرد که مدیر شرکت در این لایحه قانونی به مفهوم عضو هیئت مدیره شرکت تجاری به کار رفته است (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۹۱). در تعریف برخی حقوق‌دانان «اداره شرکت به معنای انجام همه کارها و گرفتن کلیه تصمیمات مرتبط با اداره شرکت است» و بر همین اساس مفهوم مدیر، مفهومی اعم از هیئت مدیره و مدیرعامل دانسته شده است (پاسبان، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

در دستورالعمل حاکمیت شرکتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران ابلاغی ۱۳۹۷ مفهومی از مدیر ارائه شده است که به نظر می‌رسد فراتر از تعاریف مورد اشاره است. در بند پنجم ماده یک، مدیران اصلی یک شرکت اشخاصی تلقی شده‌اند که اختیار و مسئولیت

برنامه‌ریزی، هدایت و کنترل فعالیت‌های واحد تجاری را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر عهده دارند؛ در این بند به شیوه تمثیلی، از جمله این اشخاص به اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و مدیران ارشد اجرایی اشاره شده است. این مفهوم از مدیر در بند ۱ ماده یک آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۸) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ با عنوان «کنترل» بیان شده است و تصریح شده است که مقصود از کنترل، توانایی اعمال سیاست‌های مالی و عملیاتی شرکتی به‌منظور کسب منافع از فعالیت‌های شرکت تجاری است. تأکید این مفهوم، بر قدرت تصمیم‌گیری در امور مالی، اقتصادی و حیاتی شرکت است (عابدی فیروزجائی، ۱۳۹۷: ۵۴) که می‌تواند از جانب مدیران رسمی شرکت همچون هیئت مدیره، مدیرعامل و... صورت پذیرد یا از جانب اشخاصی که سهام‌دار عمده و کنترلی شرکت محسوب می‌گردند و به‌واسطه قدرت رأی خود در سیاست‌گذاری‌های اصلی شرکت و عزل و نصب‌ها مستقیماً نقش دارند. بنابراین مدیر عبارت از شخصی است که به‌صورت بالفعل اداره شرکت (اعم از اداره رسمی یا عملی) را برعهده دارد (Dine, 2001: 166). به نظر می‌رسد قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلستان نیز در مواد ۲۵۰ و ۲۵۱ با تعریف مدیریت رسمی و مدیریت در سایه به‌عنوان مصادیق مدیر شرکت‌ها، همین مضمون را مورد توجه قرار داده است.^۱ در حقوق فرانسه نیز مدیران به دو دسته مدیران قانونی و مدیران عملی تقسیم شده‌اند (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۹۱). مدیران قانونی همان مدیران رسمی همچون مدیرعامل و اعضای هیئت‌اند و مدیران عملی اشخاصی‌اند که اگرچه رسماً متصدی اداره امور شرکت نیستند اما اقدامات آن‌ها به‌گونه‌ای است که می‌توان به آن‌ها مدیریت شرکت را نسبت داد (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۹۱).

بر همین اساس در این پژوهش، «مدیر» واژه‌ای اعم از مدیر رسمی (قانونی) و مدیر در سایه (عملی) در نظر گرفته شده است. ذیلاً به تشریح این مصادیق می‌پردازیم.

۱-۲-۱. مدیر رسمی (قانونی)^۲

به افرادی که رسماً وظیفه اعمال حاکمیت نسبت به کسب‌وکار و دارایی شرکت‌ها را برعهده دارند، مدیر رسمی یا قانونی گفته می‌شود (Berle and Means, 1999: 196). این مفهوم از مدیر در گذر زمان به‌دست آمده است. در حقوق شرکت‌های سنتی که شرکت فاقد شخصیت حقوقی است، مدیر به‌عنوان وکیل شرکا محسوب می‌شد و اصل بر عدم اختیار وی در انجام امور شرکت بود؛ مگر آنکه از جانب

1. section(250) "Director": In the Companies Acts "director" includes any person occupying the position of director, by whatever name called.

Section(251) "Shadow director": (1) In the Companies Acts "shadow director", in relation to a company, means a person in accordance with whose directions or instructions the directors of the company are accustomed to act.

2. Formal Director

شرکا صراحتاً این جواز اعطا می‌شد (صقری، ۱۳۹۳: ۱۴۷-۱۴۶). در این خصوص مواد ۵۱ قانون تجارت و ۶۶۳ قانون مدنی شایان توجه است. با گسترش شرکت‌ها و افزایش میزان سهامداران و به تبع آن پراکندگی مالکیت سهام شرکت‌ها، مرکزیت قدرت سهامداران و صاحبان حق‌الشرکه از بین رفت و قدرت کنترل بر دارایی‌ها از سهامداران به مدیران انتقال یافت (Dignam and Lowry, 2012: 290). در این خصوص مواد ۱۰۵ قانون تجارت و ۱۱۸ لایحه اصلاحی شرکت‌های سهامی ۱۳۴۷ قابل استناد است. به زعم برخی صاحب‌نظران، ماده ۱۰۵ قانون تجارت با اعمال شرط شکلی درج در اساسنامه برای محدودسازی اختیارات مدیریت، اولین گام در راستای عدول از تئوری کلاسیک وکالت را برداشت (طوسی، ۱۳۹۳: ۱۹۳-۱۹۲) و در ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی هرگونه تحدید اختیاری را کأن لم یکن دانست و مدیران را واجد اختیار مطلق در حدود موضوع شرکت قلمداد نمود.

این موضوع که در حقوق شرکت‌ها به دکترین «تفکیک مالکیت از مدیریت شرکت» مشهور است، به زعم صاحب‌نظران، بر مبنای اقتضانات و ضروریات بازار و لزوم سازماندهی کارآمد منابع اقتصادی شکل گرفته است (طوسی، ۱۳۹۳: ۱۹۵). مسئله‌ای که در نظر آدولف برل^۱ و گاردینر مینز^۲ در کتاب مشهور «شرکت مدرن و مالکیت خصوصی»^۳ این‌گونه تبیین شده است: «با افزایش پراکندگی مالکیت سهام شرایط جدیدی در ارتباط با کنترل شرکت پدید آمده است؛ دیگر اشخاصی که کنترل این شرکت‌ها را در اختیار دارند مالکان شرکت‌ها نیستند و کنترل تا حد زیادی جدا از مالکیت فرض می‌شود؛ ... این در حالی است که در گذشته فرض می‌شد کنترل شرکت تابعی از مالکیت است» (Berle and Means, 1999: 110-111).

۲-۱-۲. مدیر در سایه (عملی)^۴

حقوق شرکت‌های مدرن مبتنی بر منطق پلوتوکراسی^۵ یا زرسالاری است. زرسالاری بدین معناست که هرکه آورده بیشتری در شرکت تجارتي داشته باشد، قدرت تصمیم‌گیری بیشتری هم در شرکت خواهد داشت (عابدی فیروزجانی، ۱۳۹۷: ۵۳). در چهارچوب این مفهوم، سهام‌دارانی را می‌توان یافت که با وجود آنکه هیچ سمت رسمی مدیریتی در شرکت تجارتي ندارند، به واسطه حجم آورده‌ای که در شرکت تجارتي دارند دارای یک قدرت مدیریتی و سیاست‌گذاری در شرکت تجارتي می‌باشند و عملاً مدیران رسمی از این افراد تبعیت می‌کنند و به‌گونه‌ای گماشته آن‌ها محسوب

1. Adolf A. Berle
2. Gardiner C. Means
3. The Modern Corporation and Private Property
4. Shadow Director
5. Plutocracy

می‌شوند (Dine, 2001: 169). پرونده مالک سابق شرکت استیل آذین که از بدهکاران عمده بانکی بود و در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاص‌گران و مفسدان اقتصادی مورد رسیدگی قرار گرفت، نمونه‌ای بارز از مفهوم مدیریت در سایه در نظام حقوق شرکت‌های ایران است. در این پرونده، متهم در پوشش هشت فقره شرکت و از طریق گماردن برخی اشخاص بی‌بضاعت در سمت مدیریت عاملی و عضویت در هیئت مدیره شرکت‌های مذکور، اقدام به اخذ تسهیلات کلان بانکی بدون رعایت ضوابط و مقررات مربوط به پرداخت و تأمین وثیقه هم وزن شده بود. در بخشی از رأی صادره شعبه سوم می‌خوانیم: «... مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره هشت فقره شرکت مزبور را اشخاص بی‌بضاعت و فاقد تمکن مالی تشکیل می‌دهند که در ازای دریافت حقوق ماهیانه ناچیز و بدون کوچک‌ترین آشنایی با امور تجاری و بدون وجود سوابق کاری در امور بازرگانی، مکلف به حضور فیزیکی در دفاتر شرکت‌ها و امضای صورت جلسات و قراردادهای بانکی به درخواست محکوم‌علیه بوده‌اند.... بدین صورت که به دستور محکوم‌علیه، مدیران عامل شرکت‌ها پیش از واریز مبلغ تسهیلات به حساب شرکت‌ها، دسته چک شرکت‌ها را به صورت سفیدامضاء در اختیار محکوم‌علیه می‌گذاشتند تا بلافاصله پس از واریز مبلغ تسهیلات به حساب شرکت‌ها، محکوم‌علیه با درج مبلغ دلخواه بر روی چک‌های سفیدامضاشده، اقدام به خارج نمودن مبالغ موضوع تسهیلات از حساب شرکت‌ها نماید...».^۱ سایمون گولدینگ^۲ تعبیر جالبی از این افراد موسوم به مدیران در سایه دارد. او معتقد است: «مدیران در سایه به مثابه عروسک‌گردان‌های نمایش‌های خیمه‌شب‌بازی اند که مدیران رسمی شرکت را تحت کنترل خود داشته و این مدیران در حکم عروسک‌های این نمایش‌اند» (Goulding, 1998: 18).

۲. علل ایجاد و توسعه شرکت‌های کاغذی از منظر نظام ثبت شرکت‌ها

به زعم صاحب‌نظران، توسعه و گسترش شرکت‌های کاغذی در وهله اول مرهون ضعف در نظام ثبتی است (توکل و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۰). بر همین اساس هم هرگونه راهکاری که با محوریت سایر دستگاه‌های نظارتی غیر از ثبت شرکت‌ها ارائه شود، راهکار بنیادین و اساسی برای رفع مشکل شرکت‌های کاغذی محسوب نمی‌گردد (توکل و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۰). این موضوع نشان از لزوم بازنگری نظام ثبت شرکت‌ها و رفع خلأ سیستمی این نظام ثبتی برای مقابله با شرکت‌های کاغذی دارد. با وجود اهمیت این بحث، در حوزه آسیب‌شناسی نظام ثبت شرکت‌ها و تأثیر آن در توسعه

۱. دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۷۸۰۷۳۰۰۰۲۶ شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاص‌گران و مفسدان اقتصادی مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۱، صص ۷ و ۸.

2. Simon Goulding

شرکت‌های کاغذی، نظریات اندکی مطرح شده است. با این حال میان همین محدود نظریات هم تفاوت‌های زیادی وجود دارد که کار را برای ارائه تئوری عمومی مقابله با شرکت‌های کاغذی دشوار می‌کند. ذیلاً ضمن ارائه نظریات مطرح شده به تحلیل نظریات و شناسایی موارد خلأ نظام ثبتي با رویکرد هماهنگ‌سازی میان نظریات ارائه شده می‌پردازد.

۲-۱. نظریات مطرح شده

در نظریات مطرح شده پیرامون آسیب‌شناسی نظام ثبت شرکت‌ها، دو مکتب فکری قابل طرح می‌باشد. مکتب فکری اول، مبتنی بر اصل دقت در نظام تجارت است. مطابق این اصل، لازم است در همه مراحل تأسیس، حیات و انحلال شرکت‌ها، نظارت موشکافانه‌ای توسط دولت از طریق مکانیزم ثبت شرکت‌ها اعمال گردد (معمدی، ۱۳۹۸: ۷۰). بر همین اساس هم به عقیده برخی صاحب‌نظران، از آنجا که حجم عظیم تولید ثروت توسط شرکت‌های تجاری انجام می‌شود، لزوم ثبت شرکت و تغییرات آن به نحو قابل توجهی می‌تواند منافع عمومی را تأمین کرده و روند تأسیس شرکت‌های کاغذی را کاهش دهد (وحیدی، ۱۳۹۵: ۵۶). در واقع به عقیده این دسته از صاحب‌نظران، تسهیل بیش از حد مراحل ثبت شرکت‌ها و کاهش نظارت اداره ثبت می‌تواند افراد را به تأسیس شرکت‌های کاغذی به اسم اشخاص ثالث یا اسامی موهوم و مجعول سوق دهد و منافع عمومی را به خطر بیندازد (وحیدی، ۱۳۹۵: ۵۶؛ توکل و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۰).

در مقابل این نظام فکری، تفکر دیگری معتقد به اصل تسهیل در نظام تجارت است. تسهیل تجاری در نظر صاحب‌نظران حقوق تجارت به معنای ساده‌سازی انجام امور تجاری و روان کردن جریان تجارت می‌باشد (مسعودی تفرشی، ۱۳۸۷). مطابق این نظر این دسته از صاحب‌نظران، از آنجا که شاخص بانک جهانی جهت طبقه‌بندی کشورها از منظر شاخص سهولت کسب‌وکار متشکل از چهار فاکتور تعداد مراحل، زمان، هزینه و حداقل سرمایه مورد نیاز است، نظارت ثبت شرکت‌ها از طریق بررسی مداوم و صحت‌سنجی اسناد و مدارک ارائه شده توسط شرکت‌های تجاری، موجب اطاله و دشواری فرایند ثبتی شده و کاهش رتبه ایران در نظام کسب‌وکار بین‌المللی را در پی دارد (حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۹-۱۸). بنابراین، باید هریک از دستگاه‌های ذی‌ربط در حوزه شرکت‌های تجاری بر اساس ارتباط و هماهنگی که با یکدیگر خواهند داشت، زمینه نظارت بهتر بر فرایند تأسیس و فعالیت شرکت‌های تجاری را فراهم نمایند. مطابق نظر ارائه شده، اشکال اصلی نظام ثبت شرکت‌های ایران که زمینه‌ای برای توسعه و گسترش شرکت‌های کاغذی در کشور است را باید ضعف ارتباطات میان دستگاه‌ها همچون ثبت شرکت‌ها، سازمان مالیاتی، سازمان بورس، بانک مرکزی و... و فقدان تفاهم مشترک جهت نظارت بر اشخاص حقوقی دانست (حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۷).

در تحلیل نظریات ارائه شده این نکته شایان ذکر است که اگرچه مبانی فکری حاکم بر هریک از نظریات نقطه مقابل مبنای دیگر قرار دارد؛ اما این دو نظر در راستای «ارائه تئوری عمومی مقابله با شرکت‌های کاغذی» و بر اساس «اصول و کارکردهای مورد انتظار از نظام ثبت شرکت‌ها» با یکدیگر قابل جمع می‌باشند. شایان ذکر است که نظام ثبت شرکت‌ها بر مبنای رسالتی که در ثبت اطلاعات ناظر بر «هویت شرکت تجاری» و «وضعیت مالی - اقتصادی» آن‌ها بر عهده دارد، دارای کارکردی ثبوتی - اعلامی است. بر اساس این کارکرد نهاد ثبت شرکت‌ها باید نسبت به اطلاعات ناظر بر هویت شرکت‌های تجاری در چهارچوب یک مکانیزم صحت‌سنجی دقیق حرکت کند. زیرا در یک نظام ثبتی کارا، نهاد ثبت شرکت‌های تجاری متولی اعطای شخصیت حقوقی از جانب حاکمیت به شرکت‌هاست و برای این موضوع باید نسبت به فرایند ثبت شرکت و اطلاعات مربوط به آن به قطعیتی مسلم برسد (طباطبائی حساری و زمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۰-۲۳۵). این در حالیست که در حوزه اطلاعات مربوط به وضعیت مالی - اقتصادی شرکت‌ها همچون اطلاعات معاملات، ترازنامه سالیانه و... کارکرد سیستم ثبت شرکت‌ها کارکردی اعلامی است که وارد فرایند تحقیق و تفحص از اطلاعات شرکت‌های تجاری نمی‌گردد (طباطبائی حساری و صفی‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۰۱). بنابراین برای اعتمادسازی هرچه بیشتر بانک اطلاعاتی مربوط به وضعیت مالی - اقتصادی شرکت‌ها ایجاد ارتباطات بین دستگاهی میان ثبت شرکت‌ها و سایر نهادهای ناظر بر فعالیت‌های شرکت‌های تجاری همچون سازمان امور مالیاتی، سازمان بورس، بانک مرکزی و... اجتناب‌ناپذیر است (طباطبائی حساری و صفی‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۱۹). با وجود جمع میان این دو نظریه، همچنان ما حاصل آن را نمی‌توان به‌عنوان تئوری عمومی مقابله با شرکت‌های کاغذی از منظر بازتعریف کارکردهای نظام ثبتی دانست. زیرا برای ارائه نظریه‌ای جامع لازم است سیر فرایند ثبت اطلاعات شرکت‌های تجاری را مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گیرد و خلأ سیستمی را در هر مرحله شناسایی کرد و برای آن راهکار ارائه داد. برای این امر در بخش بعد در قالب طرح بحث شناسایی موارد خلأ سیستمی و راهکارهای مقابله با آن به این موضوع پرداخته شده است.

۲-۲. شناسایی موارد خلأ نظام ثبتی در مقابله با شرکت‌های کاغذی و راهکارهای رفع آن

ثبت شرکت‌ها را می‌توان به پروسه ثبت و ضبط اطلاعات در دفاتری که از سوی نهادی بی‌طرف به نام ثبت شرکت‌ها نگهداری می‌شود و در دسترس عموم قرار دارند تعریف نمود (نک: طباطبائی حساری، ۱۳۹۳: ۸۸). مطابق این تعریف پروسه ثبت شرکت‌های تجاری متشکل از سه مرحله جمع‌آوری اطلاعات، صحت‌سنجی اطلاعات و دسترسی به اطلاعات می‌باشد که به ترتیب ضمن بررسی خلأ سیستمی، به شناسایی راهکاری برای حل آن می‌پردازد.

۲-۲-۱. در بُعد جمع‌آوری اطلاعات

مطالعات در حوزه وضعیت ثبتي اطلاعات مربوط به مدیران شرکت‌های تجارتي در ایران نشان می‌دهد که اطلاعاتی که در خصوص مدیران شرکت‌های تجارتي در دفاتر ثبتي به ثبت می‌رسد چندان نیاز سهام‌داران و ذی‌نفعان را برطرف نمی‌سازد و تنها محدود به اطلاعات هویتی مدیران قانونی و دارندگان حق امضا است که در کنار تعداد سهام بانام، بی‌نام و ممتاز آن‌ها ثبت می‌شود.^۱ این در حالیست که از یک سو بررسی برخی اسناد بین‌المللی همچون سند راهبري شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲، توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی در مورد مبارزه با پولشویی^۳، کمیته بازل در خصوص نظارت بانکی و کمیسیون مقابله با فساد سازمان ملل، شناسایی ساختار مالکیتی شرکت‌ها را یکی از راهکارهای مهم جهت مقابله با شرکت‌های کاغذی دانسته‌اند (Sharman, 2010: 129). همچنین مروری بر تجربیات پیشین برخی از نظام‌های مشهور ثبت شرکت‌ها همچون سیستم خانه شرکت‌های انگلستان، پیشنهاداتی برای ثبت اطلاعات مربوط به تخصص مدیران قانونی شرکت‌ها ارائه می‌دهد که می‌تواند در ایران جهت بهبود شناسایی شرکت‌های کاغذی در ایران کمک شایانی نماید (Department for Business, Energy and Industrial Strategy 2020, 54-59). ذیلاً اقلام اطلاعاتی مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد:

ساختار مالکیت شرکتی، مالکان ذی‌نفع و حق رأی: کارکرد مهمی که شرکت‌های کاغذی به مالک خود ارائه می‌دهند ناشناس بودن در عین تضمین کنترل بر شرکت و منابع مالی آن است (Krišto & Thirion, 2018: 27). این شرکت‌ها در واقع نهادهایی هستند که دارندگان واقعی سرمایه را پنهان می‌کنند تا بدون نظارت فعالیت کنند. آن‌ها معمولاً برای پنهان کردن هویت مالک واقعی خود یعنی شخصی که در نهایت شرکت را کنترل می‌کند و از آن سود می‌برد استفاده می‌شوند (Krišto & Thirion, 2018: 27). بر این اساس اسناد بین‌المللی متعدد از جمله سند راهبري شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، توصیه‌های شماره ۳۳ و ۳۴ گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در مورد مبارزه با پولشویی، اصل هجدهم کمیته بازل در مورد نظارت بانکی و ماده ۵۲ کمیسیون مقابله با فساد سازمان ملل بر ضرورت شناسایی «ساختار مالکیتی شرکت‌ها» تأکید داشته و معتقد است یکی از راهکارهای اصلی مقابله با تهدید شرکت‌های کاغذی «شناسایی مالک ذی‌نفع» آن‌هاست (Sharman, 2010: 129). در این خصوص فاین‌دلی و همکارانش معتقد به وجود سه راهکار اقدام از طریق ادارات پلیس،

۱. سازمان ثبت اسناد و املاک، «فرم‌های ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری»، قابل دسترسی در:

<<https://www.ssaa.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=1&fkeyid=&siteid=1&pageid=191&g=27>>

آخرین بازدید: ۱۴۰۰/۱/۶

2. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

3. Financial Action Task Force (FATF)

از طریق نهاد ثبت شرکت‌ها، از طریق سایر نهادهای ناظر بر فعالیت شرکت‌های تجاری می‌باشند و اقدام از طریق ثبت شرکت‌ها را امیدوارکننده‌ترین راه می‌دانند؛ زیرا شرکت‌ها مخلوق قانون هستند و بدون اسنادی که ارائه آن‌ها به ثبت شرکت‌ها برای اخذ گواهی ایجاد شخصیت حقوقی الزامی است، نمی‌توانند مجوز تأسیس اخذ کنند (9: Findley, etal, 2012). با این حال اشکالی که به عقیده این اندیشمندان وجود دارد ضعف بایگانی ادارات ثبت شرکت‌هاست که باعث می‌شود امکان نگهداری حجم وسیعی از اطلاعات را نداشته باشند (9: Findley, etal, 2012). برای حل این مسئله شناسایی اقلام اطلاعاتی حیاتی ناظر به مدیران در سایه ضروری است. مطابق سند راهبردی شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اطلاعات ناظر به ساختار مالکیتی شرکت، میزان حق رأی آن‌ها و حقوق ویژه‌ای که برای این افراد در شرکت در نظر گرفته می‌شود به‌عنوان اطلاعات حیاتی قلمداد می‌شوند (39: OECD, 2015). با این حال پرسش قابل طرح آن است که چه میزان مالکیت از سهام شرکت، شخص را مالک ذی‌نفع می‌کند و سیستم ثبت شرکت‌ها را مجاب به شناسایی و ثبت مشخصات وی می‌کند. در این خصوص ماده سوم دستورالعمل شماره ۲۰۱۵/۸۴۹ پارلمان اتحادیه اروپا درخصوص مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، مقصود از مالک ذی‌نفع را هر شخصی می‌داند که مالکیت بیش از ۲۵ درصد یک شرکت را به‌صورت مستقیم (در مالکیت خود شخص) یا غیرمستقیم (در مالکیت یکی از شرکت‌های تحت مالکیت شخص) دارا باشد. مطابق این مقرر در صورتیکه هیچ شخصی بیش از ۲۵ درصد سهام شرکت را در مالکیت خود نداشته باشد، مشخصات مدیران قانونی و رسمی به‌عنوان مالک ذی‌نفع درج می‌شود.^۱

اطلاعات مربوط به میزان وابستگی مدیر قانونی: اطلاعات مربوط به میزان وابستگی مدیران قانونی، نقش مهمی در شناسایی و ردیابی معاملات مشکوک دارد. مقصود از معاملات مشکوک معاملاتی است که دارای نشانه‌های هشدار مرتبط با نظریه تقلب باشند (پورزمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۰). طبیعتاً بخشی از این معاملات را معاملات با اشخاص وابسته تشکیل می‌دهد که در قالب موارد ۱۳۲-۱۲۹ قانون تجارت تحت رژیم حقوقی ویژه قرار گرفته‌اند. بخشی از مکانیزم نظارتی معاملات

1. Art 3- For the purposes of this Directive, the following definitions apply: (6) 'beneficial owner' means any natural person(s) who ultimately owns or controls the customer and/or the natural person(s) on whose behalf a transaction or activity is being conducted and includes at least: (a) in the case of corporate entities: (i) ... A shareholding of 25 % plus one share or an ownership interest of more than 25 % in the customer held by a natural person shall be an indication of direct ownership. ... (ii) if, after having exhausted all possible means and provided there are no grounds for suspicion, no person under point (i) is identified, or if there is any doubt that the person(s) identified are the beneficial owner(s), the natural person(s) who hold the position of senior managing official(s), the obliged entities shall keep records of the actions taken in order to identify the beneficial ownership under point (i) and this point;

با اشخاص وابسته^۱ در گرو شناسایی روابط خویشاوندی است (OECD, 2015: 40-41). همچنین همان طور که در ماده ۱۴۷ لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ قانون تجارت عنوان شده است، بازرسان شرکت نباید نسبت خویشاوندی تا درجه سه از طبقه دوم مدیران داشته باشند. مقدمه چنین نظارت‌هایی در گرو ثبت اطلاعات مربوط به وابستگی‌های خویشاوندی است. پر واضح است که در مورد محدوده رابطه خویشاوندی که نیاز به ثبت دارد، قانون‌گذار است که حکم مقتضی را صادر می‌کند.

بخش دیگری از اطلاعات مربوط به وابستگی‌های حقوقی است. در این خصوص گفته شده است که رد پای شرکت‌های کاغذی در ۹۷ درصد معاملات مشکوک به چشم می‌خورد (پورزمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۷). در این خصوص مروری بر بخشی از پرونده عظیم فساد اقتصادی بانک سرمایه شایان توجه است. در این پرونده که در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاص گران و مفسدان اقتصادی رسیدگی شد، مدیرعامل در کنار عضو اصلی هیئت مدیره (که بیش از ۸۰ درصد سهام بانک را تحت اختیار خود داشتند) به بهانه دور زدن مقررات بانک مرکزی در خصوص سقف سود وام‌های اعطایی از سوی بانک، مبادرت به تأسیس شرکتی نمود که از طریق آن شرکت و بدون رعایت محدودیت‌های بانک مرکزی، به متقاضیان اعطای وام کند. با این حال این موضوع صرفاً بهانه‌ای برای خروج پول از بانک و تخصیص آن به یازده فقره شرکت کاغذی بود که با گران‌نمایی چندبرابری وثایق اعطایی، سرمایه بانک را به راحتی تحت کنترل دو عضو اصلی هیئت مدیره قرار می‌داد.^۲ این موضوع نشان از اهمیت ثبت اطلاعات مربوط به وابستگی‌های حقوقی در مقابله با شرکت‌های کاغذی است. در کنار آنچه گفته شد شناسایی شرکت‌هایی که مدیران به‌طور هم‌زمان در آن‌ها ذی‌سمت می‌باشند در کنار سهام‌دارانی که به مدیر منتخب رأی داده‌اند، تا حد زیادی به شناسایی میزان استقلال مدیران کمک می‌کند (OECD, 2015: 40-41). در همین راستا بند ۱۳ بخشنامه شماره ۸۲۱۴۳/۱۴۰۱ الحاقی ۱۴۰۱/۸/۲۱ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، ثبت اطلاعات اشخاصی که در بیش از پنج شرکت عضو هیئت مدیره می‌باشند و ارائه آن‌ها به مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی جهت شناسایی و اعمال مقررات را الزامی کرده است.

اطلاعات مربوط به شغل و تخصص^۳ مدیر قانونی: ثبت اطلاعات مربوط به تخصص مدیران قانونی، از جمله اقلام اطلاعاتی بود که از سال ۱۸۴۴ در سیستم خانه شرکت‌های انگلستان

1. Related party transactions

۲. دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۷۸۰۷۳۰۰۰۳۵ شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاص گران و مفسدان اقتصادی مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۶، صص ۳-۵.

3. Director occupation

به ثبت می‌رسید (Department for Business, Energy and Industrial Strategy, 2019: 56). در قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ نیز قانون‌گذار در بند e بخش اول مقررات موضوع ماده ۱۶۳ از ثبت آن سخن گفته است که بر اساس آن اگر مدیر شغلی داشته باشد، می‌تواند آن قسمت را که در فرم‌های ثبتی خانه شرکت‌ها وجود دارد خالی گذارد اما اگر شغلی دارد باید آن را درج کند. بر همین اساس مطابق آمارهای که تا اواخر سال ۲۰۱۸ توسط خانه شرکت‌ها ارائه شد، تنها ۴۰ درصد مدیران (۲/۷ میلیون از ۶/۶ میلیون مدیر شرکت‌ها) این دسته از اطلاعات را در سیستم ثبتی به ثبت رساندند (Department for Business, Energy and Industrial Strategy, 2019: 57-58). عدم استقبال در کنار مخاطراتی که افشای شغل می‌توانست برای برخی پست‌های حساس همچون نیروهای پلیس داشته باشد، دولت در سال ۲۰۱۹ تصمیم گرفت بار دیگر نظر کارشناسان را در این حوزه جویا شود و از آن‌ها بخواهد با توجه به منافع اشخاص ثالث در این زمینه نسبت به لزوم یا عدم لزوم ثبت اطلاعات مربوط به تخصص این موضوع را مجدداً مورد بازنگری قرار دهند (Department for Business, Energy and Industrial Strategy, 2019: 58). در نظرسنجی سال ۲۰۲۰ از کارشناسان امر، حدود ۴۸ درصد از کارشناسان مخالف ثبت اطلاعات مربوط به تخصص مدیران بودند. البته بخش عظیمی از آن‌ها نسبت به این امر قائل به تفکیک بوده و به این امر اذعان داشتند که باید بر اساس نوع فعالیت شرکت تصمیم‌گیری نمود. در کنار این جمعیت ۳۷ درصد کارشناسان موافق ثبت بودند (Department for Business, Energy and Industrial Strategy, 2020: 54). اما سیاست دولت در نهایت به سمت عدم لزوم ثبت در سال ۲۰۲۰ پیش رفت و به‌عنوان یکی از پیشنهادات قانونی جهت اصلاح سیستم ثبت شرکت‌ها مطرح شده است؛ لیکن تاکنون صورت قانونی پیدا نکرده است (Department for Business, Energy and Industrial Strategy, 2020: 56).

پیشنهاد ثبت این دسته از اطلاعات در ایران از آن جهت حائز اهمیت است که اصولاً اعضای هیئت مدیره شرکت‌های کاغذی را افرادی کم‌سواد و بی‌بضاعت تشکیل می‌دهند که در راستای گذران زندگی خود مبادرت به فروش هویت خود برای تأسیس چنین شرکت‌های می‌کنند (پورزمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۹؛ دانش شهرکی، ۱۴۰۰: ۳۸). بالطبع در صورتی که امکان ثبت میزان تخصص مدیران قانونی در دفاتر ثبت شرکت‌ها فراهم باشد، دستگاه‌های نظارتی در کنار ذی‌نفعانی که درصدد سرمایه‌گذاری یا معامله با شرکت مربوطه می‌باشند، با تطبیق دادن حوزه فعالیت شرکت

1. Section 163 (Particulars of directors to be registered: individuals) (1) A company's register of directors must contain the following particulars in the case of an individual— (a) name and any former name; (b) a service address; (c) the country or state (or part of the United Kingdom) in which he is usually resident; (d) nationality; (e) **business occupation** (if any); (f) date of birth.

و تخصص مدیران می‌توانند شرکت‌های کاغذی را بهتر شناسایی کنند.

۲-۲-۲. در بُعد صحت‌سنجی اطلاعات

در بعد صحت‌سنجی اطلاعات، آسیب‌شناسی بر اساس نوع رسالت سازمان ثبت در اطلاعات مربوط به هویت شرکت‌های تجاری و وضعیت مالی - اقتصادی آن‌ها متفاوت است:

اطلاعات هویتی شرکت‌های تجاری: فرایند عملی ثبت تأسیس شرکت‌ها در ایران یک فرایند اعلامی است. بدین معنا که مأمورین ثبتی نسبت به صحت و اصالت اطلاعات و اسناد ارائه شده هیچ‌گونه اقدامی به عمل نیاورده و صرفاً به ثبت اطلاعات اشخاص می‌پردازند (وحیدی، ۱۳۹۵: ۹۶-۹۷). در تحلیل چرایی این موضوع گفته شده است که روش ثبت شرکت‌های تجاری با روش ثبت در دفاتر اسناد رسمی متفاوت است و مرجع ثبت شرکت‌ها تنها اطلاعات نماینده شرکت که در اسناد عادی مندرج است را به ثبت می‌رساند و به هیچ‌عنوان هویت، اهلیت و... به صورت مستقیم احراز نمی‌شود (کاویانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

در نقد این گزاره، ماده ۱۰۲ قانون ثبت اسناد و املاک یک تکلیف عمومی برعهده کلیه مأمورین و اعضای سازمان ثبت اسناد و املاک قرار داده است. بر اساس این مقررہ تمامی اعضای سازمان ثبت اسناد و املاک پیش از ثبت سند مکلف به احراز هویت، اهلیت و موضوع معامله و سپس ثبت سند می‌باشند؛ در غیر این صورت مرتکب تخلف اداری شده‌اند.

در کنار آنچه گفته شد این نکته شایان ذکر است که بند دوم ماده ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک، دفاتر اسناد رسمی را متولی ثبت شرکت‌نامه‌ها قرار داده است. این صلاحیت در قالب ماده نهم اصلاحیه طرح اصلاحی آیین نامه ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۸۶ رئیس قوه قضائیه (ماده پنجم طرح اصلاحی آیین نامه ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۴۰) به نهاد ثبت شرکت‌ها تفویض گردید و در آن مقررہ به قائم مقامی ادارات ثبت شرکت‌ها از دفاتر اسناد رسمی در ثبت شرکت‌نامه‌ها تصریح گردید. قائم‌مقام در عالم حقوق به شخصی گفته می‌شود که در یک رابطه حقوقی جانشین دیگری می‌شود و کلیه حقوق و تکالیف آن شخص را برعهده می‌گیرد و هیچ‌گونه تغییری در اصل رابطه ایجاد نمی‌کند (جلالی و شایسته، ۱۳۹۱: ۲۵). بنابراین انجام تکالیفی که سردفتر به موجب مواد ۵۰، ۵۳، ۵۷ و ۶۰ قانون ثبت اسناد و املاک در خصوص احراز هویت، اهلیت و قانونی بودن معامله دارد، با توجه به کاربرد لفظ قائم مقام، توسط نهاد ثبت شرکت‌ها الزامی است. در غیر این صورت ماده نهم آیین‌نامه مذکور با قانون بالادستی ثبت اسناد و املاک مغایرت پیدا می‌کند که از منظر فنون قانون‌گذاری امری قبیح است. در این خصوص بخشنامه شماره ۱۴۰۱/۸۲۱۴۳ مورخ ۱۴۰۱/۵/۸ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در خصوص نحوه ممیزی مستندات مالی و اسنادی شرکت‌های تجاری در شش بند از ضرورت

صحت‌سنجی اطلاعات هویتی ناظر به شرکت‌ها از جمله اطلاعات ناظر به سرمایه و اقامتگاه شرکت سخن گفته است.^۱

اطلاعات ناظر به وضعیت مالی - اقتصادی شرکت‌های تجاری: به‌زعم صاحب‌نظران، اطلاعات ناظر به وضعیت مالی - اقتصادی شرکت‌های تجاری، اطلاعاتی هستند که از منبع واحد تأمین نمی‌شوند؛ بلکه مبتنی بر تکرر منابع‌اند و ارائه آن‌ها از طریق نهادهای مختلف اطلاعاتی صورت می‌گیرد (طباطبائی حصارى و صفی‌زاده، ۱۴۰۰: ۵۴). بر این اساس آنچه سبب بهبود کیفیت اطلاعاتی از این دست می‌گردد، نوع ارتباطی است که میان سازمان‌های ناظر جهت رصد فعالیت شرکت‌های تجاری ایجاد می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۴). در این خصوص اگرچه تلاش‌هایی از سوی نهاد ثبت شرکت‌ها جهت ایجاد پنجره واحد با سایر دستگاه‌ها از جمله سازمان امور مالیاتی، سازمان ثبت احوال، شرکت پست و وزارت اطلاعات ایجاد شده است (موسوی‌پور لقمیجانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۶)، اما همچنان هریک از سازمان‌های ناظر بر فعالیت شرکت‌های تجاری مستقلاً اقدام به تشکیل بانک اطلاعاتی خود می‌دهد؛ ضعف ارتباطی میان نهادهای ناظر بر فعالیت شرکت‌های تجاری در نظام اداری ایران محسوس است و ایجاد شبکه ارتباطی یکپارچه میان نهادهای رصدکننده فعالیت شرکت‌های تجاری، همچنان دور از دسترس است (طباطبائی حصارى و صفی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۱۳).

۲-۲-۳. در بُعد دسترسی به اطلاعات

لزوم نظارت و کنترل عمومی فعالیت شرکت‌های تجاری و مدیران از بدو تولد حقوق شرکت‌های مدرن و تأسیس اولین نهادهای ثبت شرکت‌ها مورد توجه نظام‌های حقوقی قرار داشته است. در اواسط قرن نوزدهم در بریتانیا در نتیجه سوءاستفاده‌های عدیده‌ای که از شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری توسط مدیران صورت پذیرفت، این کشور با شکست و بحران اقتصادی بی‌سابقه‌ای مواجه گردید. در این راستا کمیته‌ای در مجلس نمایندگان انگلستان ایجاد شد و پیشنهاد این کمیته برای مقابله با این امر، ایجاد یک نظام اطلاعاتی شفاف و قابل‌رویت برای همگان در خصوص اطلاعات مربوط به شرکت و مدیران که هویت و وضعیت کنونی شرکت و مدیران را زیر ذره‌بین عمومی قرار داده و از تقلب و کلاهبرداری پیشگیری نماید (Maltby, 1998: 11). با این پیشنهاد اولین نهاد ثبت شرکت‌های دنیا به نام «خانه شرکت‌ها»^۲ تأسیس شد که در کنار نظارت

۱. در این خصوص بندهای شماره یک، دو و شش الی نه این بخشنامه شایان توجه است.

مقامات دولتی نظارت عموم مردم را در چهارچوب دسترسی به اطلاعات شرکت‌های تجاری معتبر می‌شمارد؛ بدین صورت که نهاد ثبت شرکت‌ها باید همه روزه از ساعت ۱۰ صبح الی ۵ بعد از ظهر برای ملاحظه دفاتر ثبت اطلاعات شرکت‌های تجاری به روی عموم باز می‌بود (Harris, 2004: 283). این موضوع نشان از قدرت شفافیت در مقابله با فساد دارد. همان طور که قاضی لوئیز براندیس در مقاله قابلیت‌های شفافیت با این تمثیل به مدح شفافیت پرداخته است: «آفتاب بهترین ضدعفونی‌کننده است و چراغ الکتریکی بهترین پلیس است» (Brandies, 1913: 10).

در ایران قدرت دسترسی عمومی به اطلاعات دفاتر ثبت شرکت‌ها در ماده ۲۶ نظام‌نامه ثبت شرکت‌ها مورد تصریح قرار گرفته است. همچنین در مقررات موضوع ماده ۲۲۹ لایحه اصلاحی شرکت‌های سهامی تصریح شده است که دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده در اداره ثبت شرکت‌ها محفوظ می‌ماند تا امکان مراجعه به آن‌ها برای هر ذی‌نفع ممکن باشد. با این حال نهاد ثبت شرکت‌ها با تفسیری مضیق از این ماده و محدود نمودن امکان دسترسی به اطلاعات به افرادی که دارای گواهی ذی‌نفعی می‌باشند، عملاً خود را از این قدرت نظارت عمومی جهت کشف فساد شرکت‌های کاغذی محروم نموده است (وحیدی، ۱۳۹۵: ۵۳). هرچند با راه‌اندازی سامانه شناسه ملی دسترسی بدون هیچ‌گونه مدرک ذی‌نفعی امکان‌پذیر است، اما اطلاعات مندرج در این سامانه اطلاعاتی کلی است و از ارائه اطلاعات جزئی ناظر به بازرسان و مدیران، میزان سرمایه و اعتبار حقوقی آن شرکت که نقش مهمی در نظارت عمومی دارد معذور است (طباطبائی حصاروی و زمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۵).

نتیجه

در سال‌های اخیر، همگام با افزایش تأسیس شرکت‌های تجاری در ایران، شرکت‌های کاغذی به‌عنوان یکی از آسیب‌های اصلی نظام تجاری - اقتصادی کشور خود را نمایان ساخته است که نه تنها نظام حقوقی، بلکه نظام مالیاتی، بانکی و گمرکی را نیز درگیر ساخته است. این شرکت‌ها که برخلاف فلسفه تأسیس شرکت‌های تجاری، تنها به دنبال سوءاستفاده از حجاب شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود به آورده مالکان می‌باشند، به‌واسطه ویژگی ناشناس بودن مدیریت عملی شرکت، در کنار امکان کنترل شرکت و دارایی آن توسط وی، با استقبال ویژه‌ای مواجه شده است.

بررسی‌های این پژوهش نشان از وجود خلأ قانون‌گذاری در کنار اشکالاتی در فرایند عملی نظام ثبت شرکت‌ها دارد که باعث وجود آسیب در نظام راهبری شرکتی ایران برای مقابله با شرکت‌های کاغذی بوده است. در این راستا در وهله اول لازم است خلأ قانون‌گذاری در حوزه شرکت‌های

کاغذی، با تدوین مقرراتی، نظام قانون‌گذاری در راستای شناسایی این نوع شرکت‌ها، ارکان شرکت‌ها و مجازات‌های ناظر بر مدیران این‌گونه شرکت‌ها قدم بردارد.

در کنار آنچه گفته شد، به‌عنوان نظریه عمومی مقابله با شرکت‌های کاغذی از منظر نظام ثبت شرکت‌ها پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

در گام اول، با توجه به نقش ویژه مدیران رسمی و عملی به‌عنوان ارکان اصلی شرکت‌های کاغذی، ضروری است اقلام اطلاعاتی موضوع ثبت در دفتر ثبت شرکت‌ها به اطلاعات ناظر بر ساختار مالکیت شرکتی (با تعیین معیار دقیق جهت تعیین مالک کنترل‌کننده)، مالکان ذی‌نفع و حق رأی، اطلاعات مربوط به میزان وابستگی مدیر قانونی، اطلاعات مربوط به تخصص مدیر قانونی گسترش یابد.

به‌عنوان گام دوم، عدول از نظام اعلامی در حوزه ثبت تأسیس شرکت‌های تجاری که صرفاً اطلاعات اظهارشده از سوی مؤسسين را به ثبت می‌رساند، به نظامی تحقیقی که تمامی اسناد و مدارک ارائه شده به ثبت شرکت‌ها را با دقت و در قالب پروسه‌ای اصالت‌سنج - همچون نقش سردفتر در تنظیم و ثبت اسناد رسمی - مورد بررسی قرار می‌دهد به‌عنوان گام دوم، توصیه می‌شود.

با توجه به ضعف ارتباطی میان سازمان ثبت و سایر مراجع دولتی و رسمی مرتبط با حوزه شرکت‌های تجاری - خاصه سازمان امور مالیاتی - جهت دسترسی به بانک اطلاعاتی ثبت شرکت‌ها از طریق ایجاد پنجره واحد و از آنجا که یکی از ارکان موفقیت نظام راهبری شرکتی برای مقابله با شرکت‌های کاغذی همکاری نهاد ثبت شرکت‌ها با نهادهای ناظر بر فعالیت شرکت‌های تجاری به‌منظور ایجاد شبکه اطلاعاتی واحد جهت رصد دقیق هویت و وضعیت شرکت‌ها، در گام سوم ایجاد سامانه‌ای اطلاعاتی برای دسترسی برخط کلیه دستگاه‌های مرتبط با حوزه شرکت‌های تجاری (خاصه سازمان امور مالیاتی) برای پوشش تکلیف مقرر در مقررات موضوع تبصره شش ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم از جمله اقداماتی است که باید در حوزه ثبت شرکت‌ها صورت پذیرد.

در نهایت برای پوشش دقیق تکلیف مقرر در ماده ۲۶ نظام‌نامه ثبت شرکت‌ها، گام چهارم اختصاص به طراحی بانک اطلاعاتی ثبتی شرکت‌ها و توسعه آن به کلیه اطلاعاتی که از نظر بازار اقتصادی برای مدیریت و کاهش ریسک معاملاتی مورد نظر ذی‌نفعان دارد که می‌تواند ابزار نظارتی رایگان و کارآمدی به نام نظارت عمومی را فعال سازد. بالطبع نظارت عمومی از سوی اشخاص خصوصی که به‌طور مداوم با شرکت‌های تجاری سروکار دارند، کارایی به مراتب بیشتری در قیاس با نظارت دولتی صرف دارد.

منابع

فارسی

- باقری، محمود، محمد ساردوئی نسب و مهدی موسوی (۱۳۹۳)، «مطالعه راهبری شرکتی بیمه در حقوق ایران»، **مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۴، شماره ۴.
- بهمنی، محمدعلی و محمدرضا نریمانی زمان آبادی (۱۴۰۱)، «دعوی سهام‌داران بابت خسارات انعکاسی در حقوق شرکت‌ها»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۸۶، شماره ۱۱۹.
- پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۴)، «بازبینی نظام بازرسی در شرکت‌های تجاری ایران: بررسی تطبیقی با حقوق انگلستان»، **حقوق و سیاست**، دوره ۷، شماره ۱۵ و ۱۶.
- پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۳)، **حقوق شرکت‌های تجاری**، چاپ نهم، تهران: سمت.
- پور زمانی، زهرا، ابوالقاسم محمد نژاد عالی زمینی و فرخ عسکری (۱۳۹۷)، «تأثیر شرکت‌های کاغذی بر ریسک حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده (VAT)»، **پژوهشنامه مالیات**، دوره ۲۶ شماره ۴۰.
- توکل، محمد؛ علی اکبر عرب مازار، م.ت همدانی، م. الوندکوهی، م اکباتان و م چکاد (۱۳۸۴)، «مالیات و چگونگی ثبت شرکت‌ها»، **فصلنامه تخصصی مالیاتی**، دوره ۱۳، شماره ۲۴.
- جلالی، سیدمهدی و نگین شایسته (۱۳۹۱)، «تأثیر انتقال دعوی دادرسی مدنی با تأکید بر ورشکستگی»، **تحقیقات حقوقی آزاد**، دوره ۵، شماره ۱۸.
- جنیدی، لعیا و ملیحه زارع (۱۳۹۴)، «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران؛ تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت‌نشده شرکت»، **مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۶، شماره ۱.
- حسن‌زاده، بهرام (۱۳۹۵)، «تأملی بر علل ایجاد شرکت‌های صوری از منظر ثبت شرکت‌ها»، **پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت**، شماره ۵.
- دانش شهرکی، محمدرضا (۱۴۰۰)، «رویکردهای مواجهه با جرم فرار مالیاتی در نظم کیفری کنونی: مطالعه موردی پدیده شرکت‌های کاغذی»، **پژوهشنامه مالیات**، دوره ۲۹، شماره ۴۹.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۹۲)، **حقوق تجارت**، جلد دوم، چاپ بیست و چهارم، تهران: دادگستر.
- سلیمانی، یاسر (۱۴۰۰)، «شرکت‌های کاغذی و ملاحظات امنیت اقتصادی آن»، **امنیت اقتصادی**، شماره ۸۷.
- صقری، محمد (۱۳۹۳)، **حقوق بازرگانی شرکت‌ها**، چاپ اول، تهران: سهامی انتشار.
- طباطبائی حصارى، نسرين و سروش صفی‌زاده (۱۴۰۰)، **نظام ثبت شرکت‌های تجاری در آینه حق دسترسی به اطلاعات**، چاپ اول تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبائی حصارى، نسرين و سروش صفی‌زاده (۱۳۹۹)، «تحول سیستم‌های حقوقی ثبت شرکت‌های تجاری بر مبنای حق دسترسی به اطلاعات»، **مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۱۱، شماره ۱.
- طباطبائی حصارى، نسرين و محمود زمانی (۱۳۹۷)، «کارکرد ثبت شرکت‌های تجاری در ایجاد اعتماد و امنیت قراردادی»، **تحقیقات حقوقی**، دوره ۲۱، شماره ۸۲.
- طباطبائی حصارى، نسرين (۱۳۹۳)، **مبانی و آثار نظام ثبت املاک**، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طوسی، عباس (۱۳۹۳)، **تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها**، چاپ اول، تهران: شهردانش.
- عابدی فیروزجائی، ابراهیم (۱۳۹۷)، **نظام حقوقی حاکم بر گروه شرکت‌ها (نظریه عمومی وابستگی**

- شرکت‌های تجاری)، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- غلامی، جهانبخش و سلمان باقرپور (۱۴۰۰)، «سوءاستفاده شرکت مادر از شرکت‌های تابعه در حقوق ایران؛ مصادیق، تبیین مسئولیت و راهکارها»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۵، شماره ۱۱۳
 - کاویانی، کورش (۱۳۹۵)، *حقوق شرکت‌های تجاری*، چاپ پنجم، تهران: میزان.
 - معتمدی، جواد (۱۳۹۵)، *روش تفسیر در حقوق تجارت*، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 - مسعودی تفرشی، بابک (۱۳۸۷)، «تاثیر قاعده «اعتماد به ظاهر» در عملکرد اصول سرعت و تسهیلات تجارت»، *دنیای اقتصاد*، شماره ۱۵۰۱.
 - موسی پور لقمیجانی، مهدی، زهرا پور زمانی و احمد یعقوب نژاد (۱۴۰۰)، «ارائه الگویی برای شناخت نواقص زمینه‌ای شکل‌گیری شرکت‌های صوری در نظام مالیاتی»، *دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی*، دوره ۷، شماره ۲.
 - وحیدی، قریده (۱۳۹۵)، *رژیم حقوقی حاکم بر ثبت شرکت‌های تجاری*، چاپ اول، تهران: میزان.

آرای قضائی

- دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۷۸۰۷۳۰۰۰۳۵ شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاص‌گران و مفسدان اقتصادی مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۶.
- دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۷۸۰۷۳۰۰۰۲۶ شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاص‌گران و مفسدان اقتصادی مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۱.

لاتین

- Berle, Adolf A., C. Means, Gardiner (1999), **The Modern Corporation and Private Property**, 3d printing, United States of America: Transaction Publishers.
- BRANDEIS, LOUIS D. (1913), "What Publicity Can Do", **HARPER'S WEEKLY**, Issue December 20, 1913.
- Department for Business, Energy and Industrial Strategy (2019). Corporate Transparency and Register Reform (Consultation on Options to Enhance the Role of Companies House and Increase the Transparency of UK Corporate Entities), London: Transparency and Trust Team. available: https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/819994/Corporate_transparency_and_register_reform.pdf
- Department for Business, Energy and Industrial Strategy (2020). Corporate Transparency and Register Reform (Government response to the consultation on options to enhance the role of Companies House and increase the transparency of UK corporate entities), London: Transparency and Trust Team. available: https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/925059/corporate-transparency-register-reform-government-response.pdf
- Department of the Treasury Financial Crimes Enforcement Network (2006), **Potential Money Laundering Risks Related to Shell Companies (Guidance)**, FIN-2006-G014, available: <https://www.sec.gov/about/offices/ocie/aml2007/fin-2006-g014.pdf>.
- Dignam, Alan and John Lowry, (2012), **Company Law**, 7th edition, Oxford: Oxford University Press.

- Dine, Janet (2001), **Company Law**, 4th edition, New York: Palgrave.
- Findley Michael G., Nielson Daniel L. and Sharman J. C. (2012), **Global Shell Games: Testing Money Launderers' and Terrorist Financiers' Access to Shell Companies**, Griffith University Centre for Governance and Public Policy, available: <https://www.gfintegrity.org/wp-content/uploads/2014/05/Global-Shell-Games-2012.pdf>.
- Goulding, Simon (1998), **Company Law**, Third edition, London and Sydney: Cavendish Publishing Limited.
- Harris, Ron. (2004). **Industrializing English law Entrepreneurship & Business Organization**, 1720-1844, 1st Edition, Cambridge: Cambridge University Press.
- Krišto, Ivana Kiendl and Elodie Thirion (2018), An overview of shell companies in the European Union, European Parliamentary Research Service (EPRS), Ex-Post Evaluation Unit and European Added Value Unit PE 627.129 – October 2018, available: https://www.europarl.europa.eu/cmsdata/155724/EPRS_STUD_627129_Shell%20companies%20in%20the%20EU.pdf
- Maltby, Josephine (1998), “UK joint stock companies’ legislation 1844-1900: accounting publicity and “mercantile caution”, **Accounting History**, Vol.3, Issue1.
- OECD (2015), G20/OECD Principles of Corporate Governance, Paris: OECD Publishing.
- Sharman, J. C. (2010), “Shopping for Anonymous Shell Companies: An Audit Study of Anonymity and Crime in the International Financial System”, **Journal of Economic Perspectives**, Vol.24, Issue.4.